

تاریخچه و پیشینه

حروف

الفبای فارسی

گزارش و پژوهش: بهمن انصاری

فهرست

سر آغاز	-----	صفحه دو
الفبای پهلوی	-----	صفحه چهار
الفبای اوستایی (دین دبیره)	-----	صفحه پنج
الفبای مانوی	-----	صفحه شش
بررسی یکایک حروف الفبای فارسی امروزین با حروف الفباهای ایران باستان	-----	صفحه هفت
سخن پایانی	-----	صفحه نه

منتشر شده برای نخستین بار در وبسایت :

www.TarikhBook.ir

سرافاز

پیش از این در جستاری با نام "**خط امروز ما؛ الفبای ایرانی یا الفبای عربی**" درباره قدمت و پیشینه سواد و دبیره و نوشتار در ایران زمین به گفتگو پرداختیم و با بهره گیری از اسناد تاریخی پایسته کردیم که با پروا (توجه) به اینکه اعراب در درازنای تاریخ خود هرگز با نوشتن و سواد آشنایی نداشته و هیچ کتیبه و کتابی درون شبه جزیره عربستان مربوط به پیش از اسلام، به دست نیامده است پس بخردانه نیست که بپذیریم الفبای ما برگرفته شده از الفبای عربی است. سپس با پروا به این دیدگاه با بررسی تاریخ خط و نگارش درون سرزمین ایران پرداختیم و نشان دادیم که دبیره نویسی و الفبا در این سرزمین پیشینه‌ای بس دراز دارد و ایرانیان همواره در درازای تاریخ با دبیره های گوناگون سرگرم نوشتن و کتابت بوده‌اند.

نوعی از الفبا در دوران مادها که بازمانده‌ای از مردمان پیش از مادها بوده است*، درون فلات ایران مورد بهره گیری بود که داریوش هخامنشی در بند بیستم از ستون چهارم کتیبه بیستون (و رونوشت کتیبه بیستون که در مصر یافت شده است) از آن با نام خط و دبیره آریایی نام می‌برد:

«به خواست اهورامزدا این [که تو میخوانی]، خطی است که من ساختم (منظور خط میخی است). به جز این، [دستور دادم این متن را] به زبان و خط آریایی هم بر روی لوح و هم روی چرم نوشته شد. [همچنین] جز آن، پیکر خود را هم بساختم ...»

ولیکن در سده‌های اخیر طی ساخت و پاختی هوشمندانه به دست دو دشمن همیشگی فرهنگ ایرانی یعنی «اروپاییان» و «اعراب»، آگاهانه و از روی غرض‌ورزی و بدون داشتن اسناد تاریخی، دبیره کهن آریایی را آرامی خوانده و سپس سراسر دبیره های ایرانی را وام گرفته از اقوام آرامی، سامی و عبری پنداشته‌اند. برای اثبات و پایسته کردن این گفتار نابخردانه نیز چنین گروهی را بکار می‌برند که "چون آثاری از دوران کهن به این خط باشنده است و به زبان آرامی نوشته شده است پس این دبیره نیز، الفبای آرامی است!" سپس با بازگویی و تکرار بسیار ما را باورمند به پذیرفتن این دروغ بزرگ کردند.

شوربختانه کسی نیز دادخواهی نکرده است که با این الفبا ده‌ها کتیبه به زبانهای انشانی، خوزی، هندی، قبطی و یونانی نگاشته شده و در حفاری‌های باستان‌شناسی به دست آمده است پس چرا این دبیره را انشانی یا قبطی یا خوزی بنامیم؟

با اندکی اندیشه میتوان دانست که خط و زبان دو مقوله جدا از هم هستند. برای نمونه آیا امروز که مردمان سرزمین اسپانیا زبان اسپانیولی را با الفبای لاتین نگارش کرده و بر روی کاغذ میاورند، عقلانی است که الفبای لاتین را الفبای اسپانیایی بنامیم؟

کسانی که دبیره آریایی را با پافشاری و تکرار بسیار، دبیره آرامی می‌نامند انگیزه‌ای ندارند جز ستاندن فرهنگ از ایران زمین. همانگونه که فرضیه موهوم و بدون سند و پشتوانه تاریخی کوچ آریاییان از سیبری به درون فلات ایران را، به اندازه‌ای بازگویی و تکرار کرده‌اند که ناخواسته همه آن را پذیرفته‌ایم، در حالی که سرتاسر یافته های باستانی و دانش زمین شناختی حکایت از آن دارد که آریاییان از گذشته های دور درون فلات ایران جای داشتند و پسین‌تر از درون ایران به هند و اروپا کوچیدند.

دردناک‌ترین بخش این تاریخ‌سازی های بیگانگان، زمانی است که میبینیم ما ایرانیان نیز با آنها همسو شده و یادگار پدرانمان را دو دستی به آنها پیشکش کرده‌ایم.

(* در شاهنامه فردوسی اولین الفبا و خط در زمان نهمورت، شاه اسانیری پیشدادی نوآوری میشود و این خود گویای پیشینه دبیره و نوشته از دورترین زمان در بین ایرانیان است.)

به هر روی، دبیره آریایی که در دوران هخامنشیان، مادها و حتی پیش از مادها در فلات ایران بین مردمان ایرانی رواج داشته و داریوش هخامنشی در سنگ‌نبشته ورجاوند بیستون با قاطعیت و به روشنی از آن نام برده است، الفبایی بود که در سرتاسر ایران شناخته شده و مورد بهره‌برداری بوده است و مردمان ایرانی و غیر ایرانی درون فلات ایران برای نوشتن از آن بهره میبردند و پسین‌تر در پی فرگشت‌ها و تکامل‌ها به دست دبیران و دبیره‌نویسان ایرانی آراسته شده و دبیره‌هایی چون پهلوی اشکانی، پهلوی ساسانی، دین دبیره (اوستایی)، مانوی، سغدی و ... از آن برگرفته شده است. سپس این دبیره در روند فرگشت خود ساده تر و زیباتر گشته و پس از اسلام به دست دیوان سالاران ایرانی دربار خلفای عباسی در پیکری چشم‌نواز قرار گرفته و امروز ما این الفبای دوست داشتنتی را الفبای فارسی مینامیم.

ولیکن به دلیل بهره‌گیری از این خط برای نوشتن قرآن و متون اسلامی، سودجویان بیگانه، با ساخت و پاختی هوشمندانه و غرض‌ورزانه این دبیره را با نام دروغین الفبای عربی در بین مردمان گوشه و کنار جهان، جا انداختند. همانگونه که مادر این الفبا را که الفبای آریایی نام داشت با نام ساختگی الفبای آرامی در اندیشه ما جای‌گذاری کردند. بر ماست که هر ایرانی گامی هرچند کوچک برای بازپس‌گیری چیستی و هویت از دست رفته خود داشته باشیم.

در نخستین گام نیز باید بدانیم که تمام مردمان سرزمین ایران از **کرد و ترک و لر و بلوچ و مازنی و گیلکی** و ... به همراه برخی از مردمان ایرانی بیرون از مرزهای کنونی کشور، همچون **تاجیک‌ها و پشتون‌ها**، از الفبای امروزی فارسی بهره میبرند و این خط و الفبا تنها ویژه و مختص به مردم فارس نیست چه بسا میتوانیم با یک همدلی و همبستگی بزرگ دبیره خود را **الفبای ایرانی** بنامیم. همانگونه که هزاران سال پیش این دبیره را اقوام ایرانی و غیر ایرانی چون **انشانی‌ها، خوزی‌ها، پارس‌ها، مادها، کاشیها، آرامیها، قبطی‌ها** و حتی **هندي‌ها** و یونانیهای درون و نزدیک مرزهای ایران زمین بهره میبردند و با نام واحد **الفبای آریایی** می‌شناختند.

همچنین به یاد داشته باشید، واژه الفبا که امروزه در بیشتر کتاب‌های مرجع و فرهنگ لغت آن را ساخته زبان عربی می‌دانند، یکی دیگر از کژاندیشی‌هایی است که با بازگویی و تکرار بسیار، بیهوده به آن باورمند شده‌ایم. نخستین بار مانویان به دلیل آنکه حرف «ا» را با نام الف به کار می‌بردند و دومین حرف دبیره مانویان نیز حرف «ب» بود، واژه الفبا را ساخته و جایگزین واژه دبیره برای نامیدن دسته حروف الفبای خود کردند. بنابراین واژه الفبا نیز یک واژه با ریشه سد در سد ایرانی و ساخته شده به دست ایرانیان است.

در این جستار با نگرشی بر ریشه هر یک از حروف الفبای ایرانی (فارسی) و رویارویی آن با حرف همسان خود در سه دبیره باستانی «اوستایی»، «مانوی» و «پهلوی» به بررسی ریشه و پیشینه **تک تک** حروف الفبای ایرانی (الفبای فارسی) میپردازیم.

بهمن انصاری

فروردین سال یک‌هزار و سیصد و نود و یک خورشیدی

الفبای پهلوی

این الفبا و دبیره در برآیند سیر فرگشت خط و الفبا، از الفبای آریایی برگرفته شده است. خط پهلوی به دلیل به کار بردن چند آوای گوناگون با حروف همانند، دبیره ای پر کاستی و ناقص است. این دبیره از پرکاربردترین الفباهای دوره میانه بوده و تا سده‌های آغازین اسلامی نیز، همچنان در گوشه و کنار ایران مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است اما کم کم با آمیختگی سه دبیره پهلوی، اوستایی و مانوی و ساخته شدن خط ایرانی (خط فارسی کونی) این دبیره به کنار رفت.

پیرامون **هشت درصد** از الفبای فارسی کنونی برگرفته شده از الفبای پهلوی است. حروف الفبای این دبیره به گونه زیر است:

حروف الفبای پهلوی	حروف الفبای کنونی	حروف الفبای پهلوی	حروف الفبای کنونی
د	الف		ص
ل	ب		ض
م	پ		ط
م	ت		ظ
	ث		ع
و	ج		غ
م	چ	م	ف
	ح		ق
د	خ		ک
و-م	د	و	گ
	ذ	ل	ل
ل-ا	ر	ح	م
ر	ز	ا	ن
	ژ	ا	و
و-و	س	د	ه
ل-د	ش	و	ی

الفبای اوستایی (دین دیره)

در میانه دوره پادشاهی ساسانیان، دبیران و موبدان زرتشتی به شَوَند ناقص بودن الفبای پهلوی و امکان تحریف و دگرگونی اوستا در طول زمان، دست به نوآوری زده و از روی دبیره پهلوی، الفبایی را ساختند که تا به امروز از کاملترین، آراستهترین و موشکافانهترین دبیره‌های تمام ادوار بشریت است. این الفبای بی همتا برای نگارش اوستا مورد بهره‌گیری قرار گرفت و به همین دلیل آن را الفبای اوستایی هم نامیدند. پیرامون **سی درصد** از الفبای فارسی کنونی برگرفته شده از الفبای اوستایی است. حروف الفبای این دبیره به گونه زیر است:

حروف صدادر کوتاه

حروف الفبای اوستایی	حروف الفبای کنونی	حروف الفبای اوستایی	حروف الفبای کنونی
د	آ - اَ	ر	ای
س - ع	اَ - اِ	ر	او
ز	اَ - اِ		

حروف صدادر کشیده

حروف الفبای اوستایی	حروف الفبای کنونی	حروف الفبای اوستایی	حروف الفبای کنونی
د	آ	س - ع	آو - آن
س - ع	اَ - اِ	ر	ای
ز	اَ - اِ	ر	او

حروف بیصدا

حروف الفبای اوستایی	حروف الفبای کنونی	حروف الفبای اوستایی	حروف الفبای کنونی	حروف الفبای اوستایی	حروف الفبای کنونی
ر	ب	ذ	م	و	ک
س	پ	ر	ز	ع	گ
س - م	ت	ز	س	ح	م
ک	ث	ژ	د	ر - س	ن
ک	ج	س	د	ط - و - ک	و
م	چ	ش	س - م - س	س	ه
س - م - س	خ	غ	ع	س - د	ی
و	د	ف	ل	ز - ط	انگ - نگ

الفبای مانوی

دبیره و الفبای مانوی نیز از دسته رسم الخطوطی است که از الفبای آریایی گرفته شده است. مانی چهره فرهیخته ایران باستان؛ به دلیل پر کاستی بودن الفبای پهلوی، برای نوشتن کتاب‌هایی که برای آیین تازه خویش (آیین مانوی) نگارش میکرد، نیازمند الفبایی کامل تر و موثکافانه‌تر بود. به همین فرنود با کمک الفبای کهن آریایی و الفباهای برگرفته شده از آن چون الفبای سغدی و پهلوی و اندکی نوآوری، الفبایی نسبتاً آراسته و زیبا را پدید آورد.

پیرامون **پنجاه درصد** از الفبای فارسی کنونی برگرفته شده از الفبای مانوی است. حروف الفبای این دبیره به گونه زیر است:

حروف الفبای کنونی	حروف الفبای مانوی	حروف الفبای کنونی	حروف الفبای مانوی
ص	𐭮	الف	𐭡
ض	𐭯	ب	𐭢
ط		پ	𐭣
ظ		ت	𐭤
ع	𐭰	ث	𐭥
غ	𐭱	ج	𐭦
ف	𐭲	چ	𐭧
ق	𐭳	ح	
ك	𐭴	خ	𐭨
گ	𐭵	د	𐭩
ل	𐭶	ذ	𐭪
م	𐭷	ر	𐭫
ن	𐭸	ز	𐭬
و	𐭹	ژ	𐭭
ه	𐭺	س	𐭮
ي	𐭻	ش	𐭯

بررسی یکایک حروف الفبای فارسی امروزی با حروف الفبای ایران باستان

با نگرش در سه الفبای پهلوی، اوستایی و مانوی که در بالا آوردیم، بیگمان پی به ریشه حروف الفبای فارسی برده‌اید و باورمند شده‌اید که نامیدن الفبای ایرانی (الفبای فارسی) به نام دروغین الفبای عربی تا چه اندازه بی بنیان است و چه ساده بوده‌ایم که همراه با بیگانگان در دانشنامه‌های مجازی و دانشکده‌های زبان و ادبیات فارسی در گوشه و کنار جهان، سال‌ها الفبای سراسر ایرانی خود را به نادرستی الفبای عربی می‌نامیدیم.

اکنون در دنباله این جستار مهم و مهند، به بررسی تک تک حروف الفبای فارسی کنونی خود می‌پردازیم و هرکدام از حروف را ریشه‌یابی می‌کنیم.

الف: (آ) حرفی است که با نمایی کنونی نه در الفبای پهلوی و اوستایی و نه در الفبای مانوی باشند نبوده و از ساخته‌های دبیران و دیوان‌سالاران ایرانی پس از اسلام است.

ب: در الفبای پهلوی و اوستایی با این نگارش: **𐎠** و در الفبای مانوی بدین‌گونه: **𐎡** کاربرد داشته است و با تلفیق این دو به همراه اندک دگرگونی که در گذر زمان داشته، امروز با آرایه: **ب** از آن در الفبای ایرانی (فارسی) بهره می‌بریم.

پ: در الفبای مانوی بدین سان: **𐎢**، نگارش می‌گشت و در گذر زمان با گذاشتن سه نقطه در زیر آن و اندکی دگرگونی به آرایه **پ** دگر دیس شد.

ت: این حرف همانندی با سه الفبای پهلوی، اوستایی و مانوی ندارند و از نوآوری‌های تازه‌تر دبیره‌نویسان ایرانی پس از اسلام می‌باشند.

ث: در الفبای مانوی نگارش این حرف چنین است: **𐎣**، بنابراین این حرف برگرفته شده از الفبای مانوی است و با اندکی دگرگونی امروز در الفبای ایرانی بهره برداری می‌شود.

ج چ ح: دو حرف **ج** و **چ** هیچ همسانی و شباهتی با الفباهای مانوی، پهلوی و اوستایی ندارند و ره‌آورد نوآوری دبیره‌نویسان ایرانی پس از اسلام است. همچنین حرف **ح** نیز هرگز در دبیره‌های ایران باستان نبوده و پس از اسلام با درون شدن واژگان عربی در زبان فارسی و برای نگارش این واژگان به دست دبیران ایرانی ساخته شد.

خ: آرایه و نگارش این حرف در الفبای مانوی چنین است: **𐎤**. بنابراین این حرف بی‌کم‌وکاست از الفبای مانوی بازمانده است.

د ذ: در الفبای مانوی حرف **د** با نگارش: **𐎥**، و حرف **ذ** با نگارش: **𐎦**، کاربرد داشته است. با این آگاهی دو حروف **د** و **ذ** نیز از دبیره مانوی برگرفته شده است.

ر: با پروا به این که نگارش این حرف در الفبای اوستایی چنین بوده است: **𐎧**، بنابراین بی‌گمان حرف **ر** بازمانده از دبیره اوستایی است.

ز: حرف **ز** در الفباهای پهلوی و اوستایی چنین نوشته شده است: **𐎨**. این حرف نیز یادگاری از دبیره‌های پهلوی و اوستایی است که با دگرگونی کمی به الفبای ایرانی امروزی ما، راه یافته است.

ژ: در الفبای مانوی نگارش آن چنین است: **𐭪** . این حرف با اندکی دگر دیسی از الفبای مانوی به الفبای فارسی رسیده است.

س: این حرف نیز با اندکی دگرگونی، یادگاری از الفبای مانوی است. در الفبای مانوی نگارش و آرایه این حرف چنین بود: **𐭮** .

ش: آرایه پهلوی و اوستایی این حرف بدینگونه است: **𐭮** . آرایه مانوی آن نیز چنین است: **𐭮** . بنابراین روشن است که این حرف نیز یادگاری از بخردان ایرانی نیاکان ما است.

ص ض: حرف **ص** کاملاً برگرفته شده از الفبای مانوی است. نگارش مانوی آن بدینگونه است: **𐭮** . اما حرف **ض** ساخته شده به کوشش دبیران ایرانی پس از اسلام است.

ط ظ: این دو حرف در هیچ یک از الفباها و دبیره‌های ایران باستان وجود نداشته و پس از اسلام با درون شدن واژگان عربی در زبان فارسی و برای نگارش این واژگان عربی به دست دبیران ایرانی ساخته شد.

ع: در الفبا و دبیره مانوی این حرف با نگارش: **𐭮** ، باشنده بوده است. بنابراین این حرف نیز بی‌گمان بازمانده از الفبای مانوی است.

غ: این حرف بازمانده از الفبای اوستایی است. آرایه این حرف در خط اوستایی چنین است: **𐭮** .

ف: این حرف نیز بدون کم و کاست از الفبای مانوی برای ما به یادگار مانده است. نگارش این حرف در الفبای مانوی چنین است: **𐭮** .

ق: با پروا به اینکه نگارش حرف **ق** در الفبای مانوی چنین است: **𐭮** ، گمان می‌رود که این حرف نیز کمابیش با دگرگونی‌هایی در درازی زمان از دبیره مانوی به الفبای ایرانی رسیده باشد.

ک گ: این دو حرف همانندی با سه الفبای پهلوی، اوستایی و مانوی ندارند و از نوآوری‌های تازه‌تر دبیره‌نویسان ایرانی پس از اسلام می‌باشند.

ل: در الفبای پهلوی نگارش این حرف چنین است: **𐭮** . بنابراین بی‌گمان این حرف بازمانده‌ای از دبیره پهلوی است.

م: حرف **م** نیز بی‌کم و کاست از دبیره مانوی بازمانده است. نگارش آن در الفبای مانوی چنین است: **𐭮** .

ن: این حرف همانندی با سه الفبای پهلوی، اوستایی و مانوی ندارند و از نوآوری‌های تازه‌تر دبیره‌نویسان ایرانی پس از اسلام می‌باشند.

و: این حرف در الفبای اوستایی با این نگارش: **𐭮** ، و در الفبای مانوی نیز بدینگونه: **𐭮** ، بکار میرفته است. بنابراین محتمل است که حرف **و** از دبیره مانوی با نیم‌نگاهی به دبیره اوستایی برگرفته شده است.

ه: این حرف نیز در الفبای اوستایی با این نگارش: **𐭮** ، و در الفبای مانوی بدینگونه: **𐭮** ، بکار میرفته است. بنابراین این حرف نیز از دبیره مانوی با نیم‌نگاهی به دبیره اوستایی برگرفته شده است.

ی: این حرف همانندی با سه الفبای پهلوی، اوستایی و مانوی ندارند و از نوآوری‌های تازه‌تر دبیره‌نویسان ایرانی پس از اسلام می‌باشند.

سخن پامانی

در این جستار مهند با یاری یزدان پایسته کردیم که تک تک حروف الفبای ایرانی (الفبای فارسی) نه تنها برگرفته از الفبای عربی نیست، که اصلاً دبیره‌ای با نام الفبای عربی هرگز باشنده نبوده است و اعراب سده‌هاست که سرگرم نگارش زبان خود با الفبای ایرانی هستند اما آگاهانه و تعمداً، با یاری اروپاییان و غربیان این مهم را پنهان میکنند و همچنان از نام الفبای عربی بهره می‌برند.

شوربختانه ما نیز به شَونَد ناآگاهی و دانش کم در این زمینه، ناخواسته با آنها همگام گشته ایم و الفبای خود را که میراث با ارزش نیاکانمان است، دو دستی به بیگانگان پیشکش کرده و الفبای عربی مینامیم. امید است که زین پس هر ایرانی بسته به توان و جایگاهی که دارد بکوشد تا این یادگار ارزنده پدرانمان را بازپس‌گیری کنیم.

در پایان بار دیگر یادآوری می‌کنم که پیرامون **پنجاه درصد حروف الفبای فارسی** امروز ما بازمانده از **الفبای مانوی، سی درصد آن بازمانده از الفبای اوستایی، هشت درصد آن بازمانده از الفبای پهلوی و دوازده درصد آن نیز ساخته شده به دست ایرانیان پس از اسلام می‌باشد.**

به امید بازشناسی فرهنگ و آیین پربار ایرانی...

بهمن انصاری (سوشیانت):

Bahman.Soshiant@Gmail.com

منتشر شده برای نخستین بار در وبسایت :

www.TarikhBook.ir

پایان